با خورشید انقلاب
(خاطراتی از رهبر معظم انقلاب)

رؤیای صادقانه

یک وقت بدون اطلاع وارد محله ای برای دیدن خانواده شهیدی شدیم، دیدم محله پر از جمعیت است و برای ورود رهبر معظم انقلاب، گاو و گوسفند آماده کرده‌اند. آقا با دیدن صحنه ناراحت شدند و فرمودند: مگر نگفتم مزاحم مردم نشوید و دیدار من بدون اطلاع قبلی باشد. ما عرض کردیم: آقا، از دفتر اطلاع نداده‌اند. بالاخره آقا وارد منزل پدر شهید شدند و فرمودند: بگو ببینم چه کسی آمدن مرا به شما اطلاع داده است، آیا از دفتر اطلاع داده‌اند؟ پدر شهید عرض کرد: نه آقا، من دیشب حاج آقا روح‌الله (امام خمینی) را در خواب دیدم، پسرم علی رضا نیز در کنار امام نشسته بود. امام رو به من کردند و فرمودند: فلانی، فردا شب مهمان عزیزی داری، از مهمانت پذیرایی کن. گفتم: مهمان من کیست؟ فرمود رهبر، مهمان شما است. با تعجب گفتم رهبر می‌خواهد به خانه من بیاید؟! پسرم گفت: بله بابا، رهبر می‌خواهد به خانه ما بیاید، از ایشان پذیرایی کنید.

*حجت‌الاسلام احمدی (از اساتید حوزه علمیه قم)، پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۹۰/۷/۲۴.

رد امتیاز ویژه برای فرزندان

زمانی که ضریح مطهر حضرت امام رضا (ع) در حال تعویض بود، در خدمت رهبر معظم انقلاب به پابوسی امام هشتم مشرف شدیم. ایشان برای زیارت در کنار مرقد آن امام همام مشغول راز و نیاز بودند. چون ضریح را برداشته بودند، حضور در کنار قبر، رنگ و بوی دیگری داشت.

بعد از پایان راز و نیاز حضرت آیت الله خامنه‌ای، آقای واعظ طبسی به ایشان عرض کرد: آقازاده‌ها هم بیایند نزدیک‌تر تا از نزدیک امام را زیارت کنند. معظم‌له فرمودند: پس بقیه چی؟! این دقت را همواره حضرت آقا دارند. ایشان امتیاز خاصی را برای فرزندانشان قائل نیستند. در آن روز هم فرمودند: اگر بقیه افراد می‌توانند از نزدیک قبر امام هشتم را زیارت کنند، فرزندان من هم بیایند. پس از بیان آقا، همه توفیق حضور یافتند. عجب روز به یاد ماندنی بود!بعضی از دلشکستگان، سر از پا نمی‌شناختند.

*حجت‌الاسلام محمد علی حقانی (از اعضای بیت - تهران)، پایگاه اطلاع رسانی حوزه، ۱۳۹۰/۷/۲۴.

استفتاء
از رهبر معظم انقلاب اسلامی

مسح بر موهای بلند سر

س) اگر با شانه کردن موی سر، موها تا مثلاً مقابل چشم می‌رسد، آیا لازم است برای مسح سر، فرق باز کنیم؟

ج) مسح بر روی مویی که در قسمت جلوی سر روییده کفایت می‌کند، البته اگر مویی که در قسمت جلوی سر روییده به اندازه‌ای بلند باشد که با شانه زدن از قسمت جلوی سر بگذرد، مسح روی آن مقدار که از جلوی سر می‌گذرد صحیح نیست؛ چه این موها آویزان باشد و چه روی قسمت جلوی سر جمع شده باشد.

مصرف کفاره

س) در صورتی که پول گندم را بابت فدیه یا کفاره روزه به مؤسسه خیریه‌ای بپردازیم، آیا مؤسسه موظف است صرفاً نان خریده و به فقرا دهد و یا به‌صورت کلی می‌تواند برای اطعام فقرا مصرف کند، مثلاً مقداری روغن و گوشت به فقیر بدهد؟

ج) باید به تعداد فقیری که مدنظر پرداخت‌کننده است، برای هر فقیر ۷۵۰ گرم، فقط طعام (گندم، جو، آرد، نان، برنج و امثال آن) تهیه و پرداخت شود؛ بنابراین تهیه روغن و امثال آنکه طعام محسوب نمی‌شود صحیح نیست و اگر پولی که مؤسسه دریافت کرده است معادل پول ۷۵۰ گرم گندم بابت هر کفاره است، نباید طعامی برای فقرا تهیه شود که قیمت آن بیشتر از قیمت ۷۵۰ گرم گندم می‌باشد، زیرا در این صورت پرداخت تعداد کفاره‌ای که مدنظر پرداخت‌کننده بوده است، انجام نمی‌شود.

خواندن دعای فرج در قنوت نماز

س) آیا در قنوت نماز می‌توان دعای فرج (الهی عظم البلاء) را قرائت کرد؟

ج) خواندن دعای مذکور تا جایی که مخاطب خداست اشکال ندارد ولی مابقی که مخاطب غیرخدا می‌باشد جایز نیست و باعث بطلان نماز می‌شود.

گوش دادن به خوانندگی زن

س) آیا گوش دادن به صدای خواننده زنی که تک‌خوانی می‌کند، برای مرد نامحرم حرام است؟

ج) از گوش دادن به آنکه معمولا مفسده دارد، اجتناب شود.

خروج از محل اقامت ده روز

س) مسافری که می‌خواهد ده روز در شهری اقامت داشته باشد و در بین ده روز به اطراف آن شهر هم برود، آیا نماز او تمام است یا شکسته؟

ج) اگر قصد خروج به مقدار کمتر از مسافت شرعی دارد، در صورتی که خروج او به‌گونه‌ای باشد که عرفا اقامت ده روز در آن شهر صدق کند اشکال ندارد، مثلا دو سه بار بخواهد برود و حداکثر تا نصف روز برگردد، می‌تواند قصد اقامت کند و خروج او منافاتی با قصد اقامت ده روز ندارد، ولی قصد خارج شدن در یک دفعه به مدت ۱۵ ساعت محل اشکال است.

انجام معاملات بورس با قرار داد مضاربه

س) آیا در قرارداد مضاربه، عامل می‌تواند سرمایه را در بورس، برای خرید و فروش سهام به کار بگیرد؟

ج) قرارداد مضاربه برای خرید و فروش سهام، اشکال ندارد و باید سهم هر یک از دو طرف از سودهای به دست آمده از خرید و فروش، به‌صورت درصد تعیین شود و تعیین مقدار معین از سود به‌صورت ماهانه برای سرمایه‌گذار، صحیح نیست، اما برای پرداخت مبلغ معین در هر ماه، می‌توان پس از تعیین درصد سهم عامل و سرمایه‌گذار از سود، ماهانه مبلغی به‌عنوان علی‌الحساب به سرمایه‌گذار پرداخت شود و در پایان قرارداد بر اساس درصد تعیین شده در متن قرارداد، سهم هر یک از عامل و سرمایه‌گذار، محاسبه یا مصالحه شود.

حکایت اهل راز

شستشویی کن وانگه به خرابات خرام

رسول داد خواه خیابانی، معروف به رسول ترک که به برکت امام حسین(ع) توبه جانانه‌ای کرد، در مسیرش به جاهای مختلف و مساجد می‌رفت و دو رکعت نماز می‌خواند و می‌گفت: اینها روز قیامت شهادت می‌دهند. وقتی دوستش از این کار رسول گله می‌کند،اشک در چشمان رسول جمع می‌شود و می‌گوید: تو حق داری، حال من را نمی‌فهمی. من آنقدر در جاهای مختلف زمین گناه کرده‌ام که همه جا شاهد بوده، باید اینقدر در همه جا عبادت کنم تا اینها به نفع من شهادت دهند.

شستشویی کن وانگه به خرابات خرام
تا نگردد زتو این دیرِ خَراب آلوده

مرحوم آقای قاضی هم به شاگردانش توصیه می‌کرده همیشه در یک مسجد نماز نخوانید به مساجد دیگر هم بروید و هر جا دیدید حالی پیدا کردید، همانجا بخوانید و الّا مکان خود را تغییر دهید.

* مسعود عالی، صراط و شفاعت، صص ۱۲۶ و ۱۲۷، انتشارات عطش،۱۳۹۲.

مجازات مفسدان و محاربان اقتصادی از نگاه قرآن

علی جواهردهی

رشد اقتصادی نیازمند تحقق لوازم و ملزوماتی است که از جمله آنها مبارزه و مجازات قانونی مفسدان اقتصادی است که در عمل مانع اصلی تولید و رشد و شکوفایی اقتصادی هستند. بی‌گمان کوتاهی در مجازات و کیفر مفسدان اقتصادی نه تنها می‌تواند موجب افساد اقتصادی در زمین و میان امت اسلام شود، بلکه می‌تواند تولید و اقتصاد را به رکود یا تورم سوق دهد و فروپاشی اقتصاد را موجب شده و بستری برای ناکارآمدی نظام سیاسی و مشروعیت‌زدایی و مقبولیت‌زدایی از آن را فراهم سازد. بنابراین، مجازات مفسدان اقتصادی نه تنها به معنای تامین ستون اصلی اجتماع و دفاع از اقتصاد، این مایه قوام اجتماع، بلکه تامین‌کننده مقبولیت و مشروعیت نظام سیاسی است. آموزه‌های قرآن، بر کیفر و مجازات قانونی مفسدان از جمله مفسدان اقتصادی تأکید دارد.

***

ضرورت کیفر مفسدان و مجرمان

کیفر به معنای جزای عمل و کار بد (لغت‌نامه، ج ۱۱، ص ۱۶۶۱۰؛ فرهنگ بزرگ سخن، ج ۶، ص ۶۰۴۷، «کیفر».) و مجازات قانونی است.(فرهنگ فارسی، ج ۳، ص ۳۱۵۴، «کیفر») در اصطلاح علم حقوق، عقوبت و مجازات بزهکاران را کیفر گویند. (مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۴، ص ۳۰۶۴)

خدا در قرآن از دو دسته اصلی کیفر و مجازات دنیوی و اخروی سخن به میان آورده است. از نظر قرآن، برخی از مجرمان می‌بایست در دنیا مجازات شوند؛ زیرا این دسته از جرم‌ها نظام اجتماعی را در معرض خطر قرار می‌دهد و حقوق ابتدایی بشر را سلب می‌کند؛ بنابراین، تاخیر در مجازات این دسته از جرم‌ها به معنای نابودی بشریت و نظام اجتماعی خواهد بود.

به سخن دیگر، اگر برخی از جرم‌ها در دنیا کیفر داده نشود، بستری برای فروپاشی نظام اجتماعی بلکه بشریت است. بنابراین، برای دفاع از نوع بشریت و نظام اجتماعی لازم است تا مجازات و کیفرهایی برای برخی از جرم‌ها و مجرمان وضع و اقامه شود.

در هر نظام اجتماعی می‌توان جرم‌هایی را یافت که عقل و نقل برای آن جرم‌ها مجازات‌های قانونی در قالب قوانین شفاهی یا کتبی وضع کرده و به اجرا می‌گذارد؛ زیرا این دسته از جرم‌ها بزرگ‌ترین خطر را برای نوع بشر و نظام اجتماعی دارد.

با نگاهی به نظام‌های حقوقی جوامع بشری می‌توان دریافت که جرم‌های خطرناک برای نوع بشر و نظامات اجتماعی، جرم‌هایی است که حقوق ابتدایی و طبیعی بشر را در معرض خطر قرار می‌دهد؛ زیرا هر فرد انسانی برای بقای خویش نیازمند اموری است که از آن به حقوق طبیعی و ابتدایی یاد می‌شود. سلب و تعرض به هر یک از این حقوق ابتدایی و طبیعی موجب می‌شود تا نسل انسانی در معرض خطر انقراض قرار گیرد. از این رو در همه جوامع حتی ابتدایی‌ترین آنها، می‌توان حقوقی را یافت که برای یکایک افراد اجتماع بیان شده و افراد اجتماع می‌بایست نسبت به آن تکلیف داشته و اجازه ندهند تا این حقوق ابتدایی و طبیعی از کسی سلب شود. بر همین اساس، قوانین سختگیرانه‌ای برای حفاظت و صیانت از حقوق طبیعی و ابتدایی وضع شده است، به طوری که مخالفت با آن، مجازات‌های سنگینی را به دنبال دارد.

از جمله مهم‌ترین حقوق ابتدایی و طبیعی که در همه جوامع مجازات‌های سختی برای سلب‌کنندگان و متجاوزان در چارچوب عدالت عقلی و مقابله به مثل مطرح شده است(بقره، آیه ۱۹۴؛ احزاب، آیه ۵۸)، می‌توان به حق حیات، حق مسکن، حق امنیت و آرامش، حق آسایش و مانند آنها اشاره کرد. به طوری که اگر کسی عضوی یا زندگی کس دیگری را بگیرد او را بر اساس اصل مقابله به مثل، قصاص می‌کنند، یا سارقان را به سختی مجازات می‌نمایند و نیز کسانی که امنیت روانی اجتماع را با شایعات تهدید می‌کنند، طرد و تبعید می‌کنند.(احزاب، آیات ۵۸ تا ۶۱)

بر اساس آموزه‌های قرآن، کسانی که اذیت و آزار می‌رسانند، نباید امنیت داشته باشند و باید از سوی دولت و نهادهای انتظامی و امنیتی تهدید شوند تا دست از آزار و اذیت مردم بردارند.(همان)

مفسدان و ظالمان هر کسی باشند باید مجازات شوند و از امنیت بهره‌ای نبرند. این کیفر و مجازات با توجه به میزان فساد و افساد و درجه آن متفاوت خواهد بود. بر اساس آموزه‌های وحیانی قرآن، میزان و درجه مجازات مفسدان و ظالمان، بستگی به میزان ظلم و فساد و تأثیر آن دارد. از این رو کیفرهایی که در این باره وضع و اقامه می‌شود شامل بازداشت تا قتل است.(مائده، آیات ۳۳ و۳۴؛ کهف، آیات ۸۳ تا ۸۶)

خدا در قرآن، مجازات‌هایی چون اعدام، به دار آویختن، قطع دست راست و پای چپ و یا تبعید از سرزمین خود را، به عنوان کیفر دنیایی محاربان با خدا و پیامبر(صلی الله علیه وآله) وضع کرده است.(مائده، آیه ۳۳) از همین‌رو آواره‌سازی بنی‌نضیر از کاشانه خود، به‌عنوان کیفر مخالفت و دشمنی آنان با خدا و پیامبر(ص) انجام می‌شود.(حشر، آیات ۲ تا ۴ اسباب النزول، واحدی، ص ۲۷۸)

مجازات و کیفر محاربان اقتصادی

از نظر آموزه‌های وحیانی برخی از افسادهای اقتصادی از مصادیق محاربه با خدا و رسول‌الله(ص) است. مثلا کسی که رباخواری را به شکل قانونی و رسمی و علنی انجام می‌دهد، گویی اعلان رسمی جنگ و محاربه با خدا کرده است. به طور طبیعی مجازات و کیفر چنین شخصی که در اقتصاد اجتماع اختلال می‌کند، می‌بایست بسیار سختگیرانه باشد.

واژه محارب از ریشه «حرب» به معنای جنگ است. از نظر آموزه‌های قرآن، جنگ تنها در حوزه نظامی محدود نمی‌شود، بلکه کوچک‌ترین و ضعیف‌ترین نوع جنگ را باید جنگ نظامی دانست؛ زیرا جنگ‌های مهم‌تری است که نه تنها انسان را به شکلی وحشتناک می‌کشد، بلکه موجب تباهی دنیا و آخرت بشر می‌شود. در این جنگ‌ها که شامل جنگ نرم، جنگ فرهنگی، جنگ اقتصادی و مانند آنها است؛ حقیقت و هویت اجتماع، تهدید به نابودی می‌شود؛ زیرا مایه قوام‌بخش و حقیقت‌آفرین برای اجتماع، اقتصاد و فرهنگ است، به طوری که نابودی هر یک به معنای نابودی اجتماع است؛ چرا که فلسفه وجودی و حکمت و هدف تشکیل اجتماع، تامین سعادتی است که در سایه فرهنگ و اقتصاد به دست می‌آید؛ نابودی هر یک از این مقومات اجتماع به معنای نابودی اجتماعات بشری است. از همین رو جنگ در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی مهم‌تر از جنگ در حوزه‌های دیگر ارزیابی می‌شود؛ به‌ویژه که آنچه مایه بقای حیات ابدی بشر است، همان مباحث مربوط به فرهنگ است که سامان‌دهنده حرکت‌های اقتصادی است و انسان در آخرت بر اساس همین فرهنگ، به حیات ابدی خویش ادامه می‌دهد.

از اقسام جنگ‌های باطل و ظالمانه باید به جنگ اقتصادی اشاره کرد که می‌تواند از درون مرزهای جغرافیایی نظام اسلامی علیه مردم انجام شود یا از بیرون مرزهای آن.

البته جنگ اقتصادی، در درون مرزهای سرزمینی می‌تواند در راستای اهداف دشمنان بیرونی هدایت و مدیریت شود. از این رو، می‌بایست این گروه را به یک معنا ستون پنجم و منافقانی دانست که در مسیر دشمنان و اهداف آنان حرکت می‌کنند.

از نگاه قرآن، کسانی که به جنگ اقتصادی در میان مسلمانان می‌پردازند حتی اگر عنوان اسلام و مسلمانی را یدک بکشند، جزو کسانی هستند که علیه اهداف اصیل آموزه‌های اسلام که همه شرایع برآن تأکید دارند، حرکت کرده‌اند؛ زیرا بر اساس آیه ۲۵ سوره حدید همه پیامبران برای این آمده‌اند که مردمان از هر دین و آیین و مذهب و جنس و قوم، قیام به عدالت کرده و مطالبه‌گر سهم خویش از نعمت‌های الهی باشند. کسی که مرتکب جنگ اقتصادی می‌شود، در حقیقت علیه بنیادین‌ترین آموزه‌های اسلام اعلان جنگ کرده است.

به هر حال از نظر آموزه‌های قرآن، محاربان از جمله محاربان اقتصادی به‌عنوان مفسدان فی‌الارض شناخته می‌شوند که نه تنها به خود یا اجتماع زیان وارد کرده و فساد می‌کنند، بلکه محیط زیست را نابود می‌کنند و با این کار به همه موجودات و آفریده‌های الهی زیان می‌رسانند و دامنه فساد آنان محدود به خود و بشر نیست.

خدا می‌فرماید: سزای کسانی که با خدا و پیامبر او می‌جنگند و در زمین به فساد می‌کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید شوند. این رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت؛ مگر کسانی که پیش از آنکه بر ایشان دست یابید توبه کرده باشند، پس بدانید که خدا آمرزنده مهربان است. (مائده، آیات ۳۳ و۳۴)

در این آیات چند حکم به‌عنوان مجازات و کیفر محاربان از جمله محاربان اقتصادی بیان شده که شامل: ۱. قتل با شمشیر؛ ۲. آویختن به دار؛ ۳. قطع یک دست و یک پا به‌صورت مخالف؛ ۴. تبعید می‌شود.

امام باقر و امام صادق (علیهماالسلام) فرمودند: کیفر محارب، به اندازه استحقاق او است. اگر تنها قتل کرده باشد، کیفرش قتل است؛ و اگر مرتکب قتل شود و مالی را بگیرد کشته می‌شود و به دار آویخته می‌شود؛ و اگر مالی را بگیرد ولی مرتکب قتل نشود، دست و پای او قطع می‌گردد؛ و در صورتی که در راه‌ها ترس و وحشت ایجاد کند، فقط تبعید می‌شود. (مجمع‌البیان، ج. ۳-۴، ص ۲۹۱)

گفتنی است که احکام محاربه، شامل همه محاربان و مفسدانی است که با انواع روش‌های گوناگون به فساد در زمین می‌پردازند و امنیت اجتماع را به خطر می‌اندازند؛ از همین رو خدا درباره کسانی که با انواع شایعات لرزه‌افکن، اجتماع را دچار وحشت می‌کنند، همین احکام را برای آنان صادر می‌کند؛ چنانکه می‌فرماید: اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان مرضی هست و شایعه‌افکنان در مدینه از کارشان باز نایستند تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم تا جز مدتی اندک در همسایگی تو نپایند، از رحمت خدا دور گردیده و هر کجا یافته شوند گرفته و سخت کشته خواهند شد، درباره کسانی که پیشتر بوده‌اند همین سنت خدا جاری بوده است و در سنت خدا هرگز تغییری نخواهی یافت. (احزاب، آیات ۶۰ تا ۶۲)

از این آیات به دست می‌آید که سنت و قانون الهی که تبدیلی در آن راه نمی‌یابد، این حکم است که هر کسی امنیت اجتماع را به هر شکلی به خطر اندازد می‌بایست مجازات شود. میزان مجازات بستگی به میزان تأثیر فعالیت خطر افکنی دارد که شخص انجام می‌دهد. همچنین تکرار عمل خطرآفرین و شایعات لرزه‌افکن می‌تواند مجازات را تشدید کند. از همین رو، بر اساس همین آیات قرآن، رسانه‌هایی که به انتشار شایعات می‌پردازند، باید خود را برای مجازات سخت و سنگین دنیوی و اخروی آماده سازند.

همچنین از آیات قرآن این معنا به دست می‌آید که هرگونه همکاری با محاربان و حضور در میان آنها حرام است. در آیه ۲ همین سوره به شکل حکم کلی بیان شده که هرگونه همکاری با دیگران در گناه و تعدی حرام است.

همچنین خدا با اشاره به منافقانی که در مسجد ضرار گرد آمده و محفل توطئه علیه اسلام و نظام ولایی ایجاد کرده بودند، حضور در این محافل را به‌عنوان حضور حربی دانسته و آن را حرام اعلان می‌کند. (توبه، آیات ۱۰۷ تا ۱۰۹)

برخی مصادیق جرایم اقتصادی

فساد شامل همه گناهان و جرائم می‌شود که در ابعاد مختلف فردی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی گسترده است. چنانکه گفته شد اسلام در برابر هر فسادی، مجازاتی متناسب تعیین کرده است. این مجازات‌ها به‌عنوان پادزهر عمل می‌کند و در مواردی که از طریق تربیت‌های سازنده و شیوه‌های پیشگیری موفق به جلوگیری از فساد نشوند، با استفاده از اقدامات سختگیرانه به مقابله با آنها پرداخته می‌شود.

از جمله مصادیق جرایم اقتصادی می‌توان به پولشویی اشاره کرد. پولشویی یعنی اینکه فرد یا شرکتی از طریق نامشروع یا غیرقانونی مانند فروش مواد مخدر و یا فروش مشروبات الکلی و یا فروش کالای قاچاق درآمد بالایی به دست آورد، سپس این درآمد یا سود را در راه قانونی سرمایه‌گذاری کند یا به عبارت دیگر پول کثیف و غیرقانونی را تبدیل به پول تمیز و قانونی نماید.

اختلاس از اموال عمومی و بیت‌المال از دیگر اعمال مجرمانه است که اقتصاد را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. اختلاس به برداشتن و کم کردن غیرقانونی اموال دولتی یا غیردولتی که توسط کارمندان و کارکنان دولت یا وابسته به دولت انجام می‌گیرد، گفته می‌شود. این جرم یعنی اختلاس در ایران در خلال تحریم و در شرایط نامتعادل اقتصادی رخ می‌دهد و بیشتر اختلاس‌ها با برنامه‌ریزی از پیش تعیین شده، منظم و پنهان و توسط سران مقبول و دولتی انجام می‌شود.

از دیگر جرایم اقتصادی می‌توان به رشوه دادن و رشوه گرفتن اشاره کرد. که در قبال انجام یا عدم انجام وظیفه‌ای در سازمان و شرکت دولتی و توسط کارمندان آن انجام می‌شود رشوه دادن و رشوه گرفتن هر دو، فساد در سازمان‌ها را به دنبال دارد. یکی از مشکلاتی که امروز بسیاری از کشورها با آن مواجه هستند و مجرمان اقتصادی به اشکال گوناگون بر آن هستند تا حقوق مردم و دولت را نادیده گیرند، جرمی به نام فرار مالیاتی است. فرار مالیاتی، هر نوع عمل یا اعمالی است که به قصد عدم پرداخت مالیات یا کمتر پرداختن مالیات از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی صورت می‌گیرد. شکی نیست که با چنین عملی به‌عنوان جرم اقتصادی می‌بایست بشدت مبارزه و مقابله شود. این جرم می‌تواند از طریق جعل اظهارنامه مالیاتی یا عدم ثبت تمامی درآمدها و گزارش‌های مالی و یا تغییر آنها انجام شود به نحوی که بتوان مالیات کمتری پرداخت کرد. قاچاق کالا و ارز و مانند آنها نیز از جرم‌های اقتصادی است. براساس ماده یک قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قاچاق عبارت است از هرگونه فعل یا ترک فعلی که سبب نقض قوانین مربوط به واردات یا صادرات کالا و ارز می‌شود. بر اساس قانون با متخلفان برخورد می‌شود و برای آنها مجازات در نظر گرفته می‌شود. قاچاق کالای مجاز و یا ممنوع و یا مجاز مشروط و ارز و کالای یارانه‌ای همگی شامل قاچاق ارز و کالا می‌شوند.

احکام محاربه، شامل همه محاربان و مفسدانی است که با انواع روش‌های گوناگون به‌فساد در زمین می‌پردازند و امنیت اجتماع را به خطر می‌اندازند؛ از همین رو خدا درباره کسانی که با انواع شایعات لرزه‌افکن، اجتماع را دچار وحشت می‌کنند، همین احکام را برای آنان صادر می‌کند.

از جمله مصادیق جرایم اقتصادی می‌توان به پولشویی اشاره کرد. پولشویی یعنی اینکه فرد یا شرکتی از طریق نامشروع یا غیرقانونی مانند فروش مواد مخدر و یا فروش مشروبات الکلی و یا فروش کالای قاچاق درآمد بالایی به دست آورد، سپس این درآمد یا سود را در راه قانونی سرمایه‌گذاری کند یا به عبارت دیگر پول کثیف و غیرقانونی را تبدیل به پول تمیز و قانونی نماید.

از جمله محاربان اقتصادی می‌توان به رشوه دادن و رشوه گرفتن اشاره کرد. که در قبال انجام یا عدم انجام وظیفه‌ای در سازمان و شرکت دولتی و توسط کارمندان آن انجام می‌شود رشوه دادن و رشوه گرفتن هر دو، فساد در سازمان‌ها را به دنبال دارد. یکی از مشکلاتی که امروز بسیاری از کشورها با آن مواجه هستند و مجرمان اقتصادی به اشکال گوناگون بر آن هستند تا حقوق مردم و دولت را نادیده گیرند، جرمی به نام فرار مالیاتی است. فرار مالیاتی، هر نوع عمل یا اعمالی است که به قصد عدم پرداخت مالیات یا کمتر پرداختن مالیات از سوی اشخاص حقیقی یا حقوقی صورت می‌گیرد. شکی نیست که با چنین عملی به‌عنوان جرم اقتصادی می‌بایست بشدت مبارزه و مقابله شود. این جرم می‌تواند از طریق جعل اظهارنامه مالیاتی یا عدم ثبت تمامی درآمدها و گزارش‌های مالی و یا تغییر آنها انجام شود به نحوی که بتوان مالیات کمتری پرداخت کرد. قاچاق کالا و ارز و مانند آنها نیز از جرم‌های اقتصادی است. براساس ماده یک قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، قاچاق عبارت است از هرگونه فعل یا ترک فعلی که سبب نقض قوانین مربوط به واردات یا صادرات کالا و ارز می‌شود. بر اساس قانون با متخلفان برخورد می‌شود و برای آنها مجازات در نظر گرفته می‌شود. قاچاق کالای مجاز و یا ممنوع و یا مجاز مشروط و ارز و کالای یارانه‌ای همگی شامل قاچاق ارز و کالا می‌شوند.

سخت‌ترین مصیبت‌ها برای اهل بیت(ع)

از امام سجاد(ع) پرسیدند: سخت‌ترین مصائب شما در سفر کربلا کجا بود؟ در پاسخ حضرت سه بار فرمود(الشام الشام الشام)

در روایتی امام سجاد(ع) به نعمان بن منذر مدائنی فرمود: در شام هفت مصیبت بر ما وارد آوردند که از آغاز اسیری تا آخر، چنین مصیبتی بر ما وارد نشده بود:

۱- ستمگران در شام اطراف ما را با شمشیرهای برهنه و استوار کردن نیزه‌ها احاطه کردند و بر ما حمله می‌کردند و کعب نیزه به ما می‌زدند و در میان جمعیت بسیار نگه داشتند و ساز و طبل می‌زدند.

۲- سرهای شهدا را در میان هودج‌های زنهای ما قرار دادند، سر پدرم و سر عمویم عباس را در برابر چشم عمّه‌هایم زینب و ام‌کلثوم(علیهماالسلام) نگه داشتند و سر برادرم علی‌اکبر و پسرعمویم قاسم را در برابر چشم سکینه و فاطمه (خواهرانم) می‌آوردند و با سرها بازی می‌کردند و گاهی سرها به زمین می‌افتاد و زیر سم ستوران قرار می‌گرفت.

۳- زن‌های شامی از بالای بامها، آب و آتش بر سر ما می‌ریختند، آتش به عمامه‌ام افتاد، چون دستهایم را به گردنم بسته بودند، نتوانستم آن را خاموش کنم، عمامه‌ام سوخت، و آتش به سرم رسید و سرم را نیز سوزانید.

۴- از طلوع خورشید تا نزدیک غروب در کوچه و بازار با ساز و آواز، ما را در برابر تماشای مردم در کوچه و بازار گردش دادند و می‌گفتند: ای مردم بکشید اینها را که در اسلام هیچ‌گونه احترامی ندارند.

۵- ما را به یک ریسمان بستند و با این حال ما را از در خانه یهود و نصاری عبور دادند و به آنها می‌گفتند: اینها همان افرادی هستند که پدرانشان، پدران شما را در خیبر و خندق و... کشتند و خانه‌های آنها را ویران ساختند، امروز شما انتقام آنها را از اینها بگیرید...

۶- ما را به بازار برده فروشان برده و خواستند به‌جای غلام و کنیز بفروشند ولی خداوند این کار را برای آنها مقدور نساخت.

۷- ما را در مکانی جای دادند که سقف نداشت، روزها را از گرما و شبها از سرما آرامش نداشتیم...

* سوگنامه آل محمد، ص ۴۵۹

چراغ راه

شاخص‌های انسانیت

قال‌الامام الحسین(ع): «خمس من لم تکن فیه لم یکن فیه کثیر مستمتع: العقل، و الدین و الادب و الحیاء و حسن الخلق»

امام حسین(ع) فرمود: پنج خصلت اگر در انسان نباشد چندان بهره فراوانی از زندگی خود نمی‌برد، و دیگران نیز بهره درستی از او نخواهند برد. ۱- عقل و خرد ۲- دین و دیانت ۳- ادب و تربیت ۴- شرم وحیا ۵- نیک‌خویی و خوش‌رفتاری.[1]

۱- فرهنگ جامع سخنان امام حسین(ع)، علی مویدی، ص ۸۱۰

حکایت خوبان

محشور شدن روزه‌داران عاشورا با قاتلان امام‌حسین(ع)

امویان به شکرانه قتل امام‌حسین(ع) روز دهم محرم هر سال روزه می‌گرفتند! شخصی از امام‌رضا(ع) درباره ثواب روزه روز عاشورا پرسید: امام رضا(ع) فرمودند: از ثواب روزه روزی می‌پرسی که امویان آن را به مناسبت قتل حسین(ع) بر پا کردند؟! روز عاشورا نه روزه دارد و نه متبرک است. کسی که روز عاشورا را روزه بگیرد، با کسانی محشور می‌شود که این سنت را گذاشتند.[1]

۱- کافی، ج ۴، ص ۱۴۶

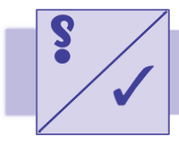

پرسش و پاسخ

عوامل پیدایش تحریفات عاشورا

پرسش:

انواع تحریف و عوامل آن را در رابطه با حادثه کربلا به نحو اجمال بیان کنید؟

پاسخ:

در میان وقایع تاریخی، به لحاظ نقل‌های معتبر کمتر واقعه‌ای است که به اندازه حادثه کربلا غنی باشد، اما علی‌رغم این غنای منابع معتبر تاریخی، این حادثه در طول تاریخ دستخوش تحریف‌های متعددی قرار گرفته است که اینک به برخی از اهم آنها می‌پردازیم.

انواع تحریف

تحریف انواعی دارد که یا لفظی و شکلی است و یا معنوی و محتوایی. اینکه ظاهر و شکل یک عبارت و نصی را تغییر دهید با افزودن یک حرف یا یک کلمه و یا جمله و یا کم کردن و یا پس و پیش کردن، این را می‌گویند؛ تحریف لفظی، اما تحریف معنوی این است که شما در لفظ تصرف نمی‌کنید، و در الفاظ و عبارات تغییر نمی‌دهید، بلکه آن لفظ و عبارات را طوری معنا و تفسیر می‌کنید که مقصود و مقصد گوینده از آن به دست نمی‌آید، بلکه خلاف آن حاصل می‌شود. این را می‌گویند تحریف معنوی.

عوامل تحریف در حادثه کربلا

۱- اغراض دشمنان

همیشه اغراض دشمنان خود یک عاملی است برای اینکه حادثه‌ای را دچار تحریف کند. دشمن برای اینکه به هدف و غرض خودش برسد، تغییر و تبدیل‌هایی شکلی و لفظی در متن تاریخ می‌دهد، و یا توجیه و تفسیرهای ناروایی از تاریخ می‌کند. در دنیا معمول است که دشمنان نهضت‌هایی مقدس را به افساد، اخلال و ایجاد تفرقه و اختلاف و... متهم می‌کنند، که این مطلب نمونه‌های زیادی دارد، حکومت اموی خیلی تلاش کرد تا چنین رنگی به نهضت حسینی بدهد، و تحریف‌های لفظی و معنوی فراوانی انجاد دادند تا قیام امام حسین(ع) را خدشه‌دار کنند، اما هیچ‌کدام از تحریف‌های آنها اثر نکرد و هیچ مورخی و صاحب‌نظری تحت تاثیر تحریف‌های آنها قرار نگرفت، لذا در حادثه کربلا با کمال تاسف هرچه تحریف شده است از ناحیه دوستان است، که ابزار و آلات دست دشمنان قسم‌خورده اسلام قرار می‌گیرند.

۲- تمایل بشر به اسطوره‌سازی

عامل دوم تمایل بشر به اسطوره‌سازی و افسانه‌سازی است. در بشر یک حس قهرمان‌پرستی هست که درباره قهرمان‌های ملی و دینی افسانه و اسطوره می‌سازند. بهترین دلیلش این است که مردم برای نوابغی مثل بوعلی سینا و شیخ بهایی چقدر افسانه جعل کردند. اما کسانی که شخصیت پیشوا و زعامت را به عهده دارند و قول و فعل و تقریر آنها برای انسان حجت است در اینها نباید تحریفی واقع شود، زیرا نقش هدایتگری آنها مخدوش می‌گردد. و ما که وظیفه داریم همه ساله حادثه عاشورا را به صورت یک مکتب زنده نگهداریم، نباید اجازه دهیم با حس اسطوره‌سازی و قهرمان‌پروری مبالغه‌ها و اغراق‌هایی در حادثه عاشورا صورت گیرد، و در این رابطه جعلها، دروغ‌ها و تحریف‌هایی صورت گیرد.

۳- عامل خصوصی

دوعامل قبلی یعنی اغراض دشمنان و تمایل بشر به اسطوره‌سازی در تمام تواریخ دنیا وجود دارد، ولی در خصوص حادثه عاشورا یک عامل خصوصی هست که این عامل سبب شده در این داستان بخصوص جعل واقع شود. پیشوایان دین از زمان پیامبر اکرم(ص) و زمان ائمه(ع) دستور اکید و صریح داده‌اندکه باید نام حسین‌ابن‌علی(ع) و مصیبت آن حضرت زنده بماند و هر سال تجدید بشود. چرا؟ بحث در این چرا است. چرا ائمه دین به این موضوع تااین حد اهتمام داشتند؟ در واقع تأکید فراوان بر این زنده نگهداشتن حادثه عاشورا بخاطر فلسفه قیام آن حضرت و اهداف مقدسی بود که امام حسین(ع) بخاطر آنها به شهادت رسید. حال اگر در مجالس عزای حسینی این اهداف مقدس تحت‌الشعاع گریه و سینه‌زنی و نوحه‌خوانی قرار گیرد و تحریف‌هایی را برای گرم کردن مجلس و کربلا راه انداختن انجام دهیم. اینجاست که عامل خصوصی تحریف کارکرد واقعی خود را خواهد داشت و اجازه نمی‌دهد که آثار و برکات واقعی این گونه مجالس در جامعه و رفتار عزاداران تبلور پیدا کند. شما باید روضه راست را بشنوید و معارف و سطح فکرتان بالا بیاید، به طوری که اگر در ی